

آثار لایحه

به طور کلی انعقاد موافقتنامه همکاری‌های قضایی در امور مدنی و تجاری بین دو دولت بسیار مطلوب و واجد آثار مثبتی است، اما کارآیی انعقاد چنین معاهده‌ای با ایرادات متعدد راه که مشکلات خاص خود را دارد و در بسیاری موارد مفری برای عدم همکاری فراهم می‌آورد، مورد تردید است. به نظر می‌رسد این مسئله آثار نامطلوبی به دنبال داشته باشد و تا حدی آثار مثبت انعقاد چنین معاهده‌ای را تحت تأثیر قرار دهد.

ارزیابی لایحه

۱. همکاری قضایی بین دولت‌ها بر مبنای سیاقی شکل می‌گیرد، صورت‌بندی شده و با قیود و شروطی محدود می‌گردد و در قالب موافقتنامه‌ای تجلی می‌یابد. دامنه این همکاری‌ها باید به دقت روشن شود تا ایجاد ابهام نکند. ماده (۲) موافقتنامه حاضر در بند «ث» به «هر شکل دیگری از اشکال همکاری قضایی» اشاره می‌کند که هر چند مشروط به عدم تعارض با قانون طرف درخواست‌شونده شده است، اما بسیار کلی و مبهم است تا حدی که معلوم نمی‌گردد تعهد هر طرف به موجب این بند چیست و چه موردی را می‌توان نقض تعهد دانست، لذا پیشنهاد می‌شود که یا این بند تدقیق گردد و یا اینکه کلاً حذف شود.

۲. در ماده (۵) در خصوص شکل درخواست همکاری قضایی مقرر شده که اطلاعات خاصی در درخواست همکاری وجود داشته باشد. بند «ج» قسمت ۱ این ماده مقرر می‌دارد: «هرگونه اطلاعات ضروری دیگر برای اجرای اقدامات مورد درخواست». چنین بندی تنها محملی است برای ایجاد اختلاف و عدم اجرای تقاضا که لازم است مورد بازنگری قرار گرفته و تدقیق شود.

اظهار نظر کارشناسی درباره:

«لایحه موافقتنامه همکاری قضائی در امور مدنی و تجاری بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر»

مقدمه

یکی از قدیمی‌ترین و پرکاربردترین اشکال همکاری‌ها بین دولت‌ها، همکاری‌های قضایی اعم از شناسایی و اجرای احکام، آرا و تصمیمات، استرداد مجرمین، انتقال محکومان و غیر است. در دنیای امروز به جهت کثرت مراودات بین اتباع کشورها، حضور اتباع خارجی در سرزمین دیگر کشورها و گسترش روابط تجاری و اقتصادی انجام چنین همکاری‌هایی اجتناب‌ناپذیر انگاشته می‌شود. جمهوری اسلامی ایران نیز در این راستا موافقتنامه‌های متعددی با بسیاری از کشورها به‌ویژه کشورهای منطقه منعقد کرده است.

پیش از این یعنی در سال ۱۳۸۲ دو موافقتنامه همکاری‌های قضایی در امور کیفری و استرداد مجرمین بین طرفین منعقد شد. موافقتنامه حاضر به منظور تکمیل همکاری‌های قضایی منعقد شده است و موضوع آن همکاری قضایی در امور مدنی و تجاری بین دو دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر است.

۳. موافقتنامه حاضر برای همکاری منعقد شده است اما در برخی موارد همکاری منحصر به اراده کشور طرف مقابل و یا حتی شخصی است که موضوع درخواست همکاری است. از جمله این موارد بند «۳» ماده (۱۰) این موافقتنامه است که مقرر داشته است که در صورت عدم حضور شاهد و یا کارشناس، مرجع درخواست‌شونده اقدام الزام‌آوری علیه اشخاصی که از حضور خودداری کرده‌اند، نمی‌نماید. لازم است این بند اصلاح شود و اگر بناست همکاری قضایی صورت گیرد، در چارچوب حقوقی و با رعایت کلیه موازین حقوقی این همکاری‌ها صورت گیرد. در چنین شرایطی نامعقول نیست که درخواست حضور در مرجع قضایی طرف درخواست‌کننده شکل الزامی و اجباری به خود نگیرد، اما لازم است که در صورت لزوم انجام موضوع درخواست، در مراجع مربوطه کشور درخواست‌شونده، انجام و نتایج آن به کشور درخواست‌کننده ارسال شود.

۴. ماده (۱۱) درخصوص هزینه‌ها، سنگین و استثنائی بودن هزینه‌ها را مورد توجه قرار داده است، اما در این بند و نه در هیچ بند دیگری مقرر نشده است که منظور از سنگین و استثنائی بودن هزینه‌ها چیست.

۵. در ماده (۱۲) موارد امتناع از همکاری به حدی گسترده در نظر گرفته شده است که اجرای موافقتنامه را در عمل استثنا باید دانست و اصل را بر عدم اجرا تلقی کرد.

۶. در «بند «۲» ماده (۱۵)» صدور گواهی تأیید عدم تمکن مالی در کشور ثالث به نمایندگی‌های سیاسی و یا کنسولی کشور متبوع واگذار شده است، که داشتن چنین صلاحیتی توسط مراجع غیرقضایی ولو کنسولی مورد تردید است.

۷. ماده (۱۹) در بیان موارد رد درخواست شناسایی و اجرای احکام یا تصمیمات قضایی در «قسمت ب» به موردی اشاره دارد که لازم است مورد توجه دقیق قرار گیرد. این بند مقرر داشته است: «حکم یا تصمیم قطعی ازسوی مرجع قضایی که طبق قوانین طرف درخواست‌شونده صلاحیت‌دار نبوده صادر شده باشد». این در حالی است که اصولاً صلاحیت دادگاه هر کشور توسط قوانین آن کشور تعیین می‌شود و نمی‌توان صلاحیت دادگاه هر کشور را با قوانین دیگر کشورها سنجید. در این خصوص آنچه باید پیش‌بینی شود، این امر است که «پرونده در صلاحیت (انحصاری) دادگاه‌ها و مراجع کشور درخواست‌شونده بوده است»^۱.

۸. بند «پ» ماده (۱۹) به صدور حکم غیابی اشاره شده است که در ماده (۱۷) نیز مورد توجه قرار گرفته است. لازم است در این بند اشاره به ماده (۱۷) شود و مطلق احکام غیابی غیرقابل شناسایی و اجرا دانسته نشود.

نتیجه‌گیری

توجه به ایرادات فوق این نتیجه را در پی دارد که موافقتنامه حاضر بدون انجام اصلاحات فوق‌الذکر و رفع ایرادات، سبب بروز اشکالاتی در اجرا خواهد شد. با توجه به اینکه متن موافقتنامه مورد مذاکره طرفین قرار گرفته است و از این حیث مذاکره مجدد درخصوص متن از لحاظ دیپلماتیک ممکن است با مشکلاتی همراه باشد، اما با لحاظ نقش مجلس شورای اسلامی در انعقاد موافقتنامه‌های بین‌المللی پیشنهاد می‌شود که ایرادات مطروحه در لایحه رفع و پس از رفع آن اقدام به تصویب شود.

۱. این امر مسبوق به سابقه است و در پرونده‌هایی که شرط داوری در آن وجود دارد اما دادگاه بی‌توجه به شرط داوری خود به موضوع رسیدگی می‌نماید با این مسئله مواجه خواهیم شد.